

335259 - اگر چیزی را ببیند که از آن خوشش بیاید آیا با هر بار دیدنش باید دعای برکت کند؟

سوال

اگر چیزی را ببینم و از آن خوشم بیاید آیا لازم است هر بار که آن را می بینم بگویم «اللهم بارک» یا همان گفتن بار اول کافی است؟ و اگر یک بار نگویم گناهکار می شوم؟

پاسخ مفصل

اولاً:

پیامبر - صلی الله علیه وسلم - مسلمان را امر کرده که هرگاه در برادران مسلمان خود چیزی را ببیند که از آن خوشش بیاید برایشان دعای برکت کند و فرمودند:

«هرگاه کسی از شما از برادرش چیزی ببیند که از آن خوشش بیاید، باید برای او دعای برکت کند» به روایت امام مالک در موطا (۲/۹۳۹) و امام احمد در مسند (۲۵/۳۵۵) و ابن ماجه (۳۵۰۹).

علما در این باره اختلاف کرده اند که آیا امر، تکرار را می رساند؟

آن چه در اصول مقرر است این است که صرف امر اگر قرینه هایی مبنی بر تکرار در آن نباشد، معنای تکرار را در خود ندارد.

شیخ محمد امین الشنقیطی - رحمه الله - می گوید:

«مسلم در صحیحش از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت کرده که گفت: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - برای ما خطبه گفت، پس فرمود: «ای مردم، الله حج را بر شما فرض گردانیده، پس حج را به جا آورید!» مردی برخاست و گفت: هر سال؟ پس ایشان سکوت کرد تا آن که سه بار [سؤالش را] تکرار کرد، پس رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «اگر می گفتم آری، واجب می شد و توانایی اش را نداشتید» سپس فرمود: «تا وقتی شما را رها کرده ام [و امری نکرده ام] مرا رها کنید [و نپرسید] زیرا آنان که پیش از شما بودند به سبب پرسش های بسیار و اختلافشان با پیامبران شان هلاک شدند. پس هرگاه شما را به چیزی امر کردم تا جایی که می توانید انجامش دهید و چون شما را از چیزی نهی کردم رهایش سازید.»

محل شاهد در این حدیث، آن جاست که ایشان - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «ای مردم، الله حج را بر شما فرض گردانیده، پس حج را به جا آورید.» شبیه به این را امام احمد و نسائی روایت کرده اند. از این حدیث

استدلال کرده‌اند که امر مجرد و بدون قرائن، معنای تکرار را در خود ندارد، چنان‌که در اصول مقرر است» (أضواء البیان: ۷۴ / ۵).

اما اگر قرائنی مبنی بر تکرار وجود داشت، تکرار بر حسب آن قرائن لازم می‌شود، از جمله اگر امر بر شرط و علتی مترتب شود که آن را لازم بگرداند، که این‌جا بر حسب حکمت شارع هر بار که آن علت وجود داشته باشد، آن کار امر شده نیز باید انجام شود.

ابن اللّحام . رحمه الله . می‌گوید:

«اما شارع، حکیم است و تناقض از آن سر نمی‌زند، پس هرگاه شارع حکمی را داد و آن را به یک علت وابسته دانست (یعنی هرگاه آن علت باشد آن حکم نیز باید انجام شود) خواهیم دانست که آن حکم هرگاه که آن علت رخ دهد وجود خواهد داشت، والله اعلم» (القواعد والفوائد الأصولية: ۲۴۰).

حدیث پیشین نیز امر به دعای برکت را به خوش آمدن مربوط دانسته، و این یعنی هر بار با دیدن چیزی از آن خوشتر بیاید باید آن دعا را تکرار کنی.

ثانیا:

اما حکم ترک دعای برکت، چنان‌که به نظر می‌آید، کسی که چیزی را دیده و از آن خوشش آمده دو حالت دارد: حالت نخست: این‌که به شدت از چیزی خوشش آمده آن قدر که می‌ترسد برادرش دچار چشم زخم شود که این‌جا واجب است برایش دعا کند؛ زیرا بر مسلمان واجب است که شر و آزار خود را از برادرانش دور نگه دارد.

ابن قیم . رحمه الله . می‌گوید:

«اگر کسی که چیزی را دیده از این‌که چشمش زیان برساند و به شخص مورد نظر آسیب وارد کند بترسد، باید شر خود را با گفتن **«اللهم بارک علیه»** از او دور سازد، چنان‌که پیامبر . صلی الله علیه وسلم . به عامر بن ربیع که سهل بن حنیف را مورد چشم زخم قرار داده بود فرمود که: «آیا نمی‌شد برای او دعای برکت کنی؟» یعنی می‌گفتی: **«اللهم بارک علیه»** (زاد المعاد: ۴ / ۱۵۶).

ابن عبدالبر در این مورد قول صریح مبنی بر وجوب آن را مطرح ساخته می‌گوید:

«در سخن رسول الله . صلی الله علیه وسلم . که «نمی‌شد برای او دعای برکت کنی؟» دلیل است بر این‌که چشم زیان می‌رساند و اگر چشم زنده دعای برکت کند زیانش به طرف مقابل نمی‌رسد اما اگر دعای برکت نکند زیانش

می‌رسد؛ بنابراین واجب است که هر کس از چیزی خوشش آمد برای آن دعای برکت کند، و اگر برایش دعای برکت کرد آن ترس بدون شک برطرف خواهد شد، واللّٰه اعلم» (التمهید: ۶ / ۲۴۰-۲۴۱).

قرطبی . رحمه الله . در تفسیر (۴۰۱ / ۱۱) همانند ابن عبدالبر گفته و همین‌طور ابن ملقن در «التوضیح» (۴۰۱ / ۲۷) نقل کرده است.

اما حالت دوم:

اگر شخص به چشم زخم معروف نبود و از خودش ترسی نداشت و نمی‌ترسید که با چشم به برادرش زبانی بزند، این‌جا نیز دعا مشروع است زیرا نوعی نیکوکاری در حق برادر مسلمان است و در این حالت دلیلی بر وجوب نیافتیم.

واللّٰه اعلم.